



طلاق توافقی سخت‌تر می‌شود

طلاق در ایران به یکی از بحرانی‌ترین مقاطع خود در سال‌های اخیر رسیده است.

وقایع اتفاقیه نوشت: طلاق در ایران به یکی از بحرانی‌ترین مقاطع خود در سال‌های اخیر رسیده است. هم‌اکنون ایران با نرخ خام طلاق دو درصد یکی از بالاترین آمارها در زمینه طلاق را در کشورهای منطقه دارد و حالا پس از چالش‌های رفتاری، اخلاقی و اقتصادی، چالش‌های دیگری مانند سبک جدید زندگی شهری نیز بر این روند افزایشی تأثیرگذار است.

یکی از چالش‌هایی که در این زمینه، کمتر به چشم می‌آید، شاخص دوام زندگی در طلاق است؛ این شاخص در مسائل جمعیت‌شناختی واقعه ازدواج و طلاق بررسی می‌شود و ناظر بر طول مدت ازدواج تا وقوع واقعه طلاق است.

براساس بررسی این شاخص، حدود 14 درصد طلاق‌ها در ایران، کمتر از یک سال و 11 درصد آن پس از یک تا دو سال از زندگی مشترک رخ می‌دهد. در مجموع بیش از 50 درصد طلاق‌ها در ایران در کمتر از پنج سال از زندگی مشترک رخ می‌دهد اما این اتفاق در برخی استان‌های کشور، بحرانی‌تر است.

در حال حاضر میانگین طول مدت زندگی مشترک در طلاق‌های ثبت‌شده در کل کشور، هشت سال است اما استان‌های ایلام، کردستان، خراسان جنوبی و اردبیل میانگین زیر هفت سال را تجربه می‌کنند. از سوی دیگر، استان‌های یزد، سمنان، اصفهان، مازندران، تهران و البرز دارای میانگین طول مدت زندگی مشترک در طلاق‌های ثبت‌شده بالای هشت سال هستند و این اتفاق در شرایطی است که شاخص دوام زندگی در سال‌های 86 و 88 کمتر از سال‌های 92 و 9 ماهه اول سال 94 بوده است.

یکی دیگر از مسائلی که در طلاق، نگرانی‌های دولتی و حاکمیتی را برانگیخته است، طلاق توافقی است؛ براساس این روش از طلاق، زوجین می‌توانند با توافق درباره حق و حقوق خود یا گذشتن از حقوق خود از جمله مهریه، حضانت و ملاقات فرزند، جهیزیه، نفقه و... به راحتی به دادگاه مراجعه کنند و پس از مدت کوتاهی به صورت توافقی از هم جدا شوند.

این ساده‌ترین تصویر از ساده‌ترین شکل طلاق در کشور است. رئیس دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران در سال گذشته اعلام کرد: طلاق توافقی با ۲۷ هزار و ۳۲۰ فقره پرونده، در صدر دعاوی مجتمع‌های خانواده شهر تهران در سال ۹۳ قرار داشته است.

این آمار زمانی معنادار می‌شود که آن را با تمامی پرونده‌های طلاق در تهران مقایسه کنیم؛ براساس آمار رسمی سازمان ثبت احوال استان تهران، سالانه بیش از ۳۰ هزار نفر در تهران از یکدیگر جدا می‌شوند که بر پایه این آمار و ۲۷ هزار طلاق توافقی در این کلانشهر، می‌توان گفت ۹۰ درصد طلاق‌ها در تهران توافقی است اما هم‌زمان رئیس دادگستری استان تهران نیز از تشکیل کارگروه برای پرونده‌های طلاق و خانواده در قوه قضائیه خبر داد و گفت: با عنایت به دغدغه‌های مهم مقام معظم رهبری درباره طلاق و پرونده‌های خانواده، کارگروهی در این زمینه در قوه قضائیه تشکیل شده است؛ اظهارنظری که نشان می‌دهد، قوه قضائیه به دنبال طرح و برنامه‌ای است تا دیگر طلاق توافقی، سهل‌الوصول نباشد.

با این حال غلامحسین اسماعیلی، رئیس کل دادگستری استان تهران، در صدوششمین جلسه هیئت نظارت و بازرسی بر حفظ حقوق شهروندی گفت: کارگروه تشکیل شده و مدیریت دادگستری استان نیز پیشنهادهایی را به منظور کاستن از این نوع پرونده‌ها در مراجع قضائی به این کارگروه ارائه کرده است؛ برای مثال پیشنهاد شده دادخواست‌های طلاق قبل از ثبت در شعب دادگاه‌ها و بدون پرداخت هزینه دادرسی از ابتدا به مراکز مشاوره ارجاع شود و چنانچه زوجین به سازش نرسیدند آنگاه در قالب رفع نقص، تمبر لازم، ابطال و برای رسیدگی قضائی به شعبه دادگاه ارجاع شود.

نتایج یک تحقیق دانشگاهی درباره طلاق توافقی

نتایج یک تحقیق دانشگاهی از سوی دکتر باقر ساروخانی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، درباره طلاق توافقی نشان می‌دهد، زوجین هرکدام دارای دلایلی برای طلاق توافقی هستند که می‌تواند طرفین را مجاب به جدایی کند.

ساروخانی در تحقیق خود می‌نویسد: در طلاق توافقی، زنان مهم‌ترین دلایل خود را برای طلاق، فحاشی و ضرب‌وشتم شوهر، دخالت خانواده شوهر، خیانت شوهر، داشتن اختلاف نظر فرهنگی، اختلاف سنی زیاد، ازدواج تحمیلی و نداشتن آشنایی قبلی برشمرده‌اند.

در مقابل مردان نیز مهم‌ترین دلایل خود را برای جدایی به صورت زیر بیان کرده‌اند: علاقه‌نداشتن به زن، اقدامات خودسرانه زن، بدبینی به زن، تمکین‌نکردن، ناسازگاری زن، پایبندنبودن به اصول اخلاقی، نداشتن تفاهم، توقعات بیجای زن، بی‌اعتمادی به شوهر و رفتارهای نامعقول زن.

ساروخانی در ادامه تأکید می‌کند: علاوه بر زوجین، در این تحقیق مشاوران در طلاق توافقی، مهم‌ترین دلایل زنان را برای طلاق، ناسازگاری، تنفر از شوهر، توجه‌نکردن شوهر به خواسته‌ها و توقعات زن، دخالت خانواده شوهر، عدم تحمل شوهر و لجبازی برشمرده‌اند.

در مقابل مشاوران دلایل مردان را برای جدایی به صورت زیر بیان کرده‌اند: استقلال‌نداشتن زن (وابستگی به خانواده)، علاقه‌نداشتن به همسر، دخالت اطرافیان و ناآگاهانه‌بودن ازدواج.